بررسی راهبردهای ابدولوژیکی شاهنامه در تولید گفتمان برتری ایرانیان

پیکره مطالعه‌شهده: دانستن رسم و چنگش

گلالمی فلاح
فردو آقازاده
حمید عبداللهیان
زینب طهرانی

چکیده
نقطه و کارکرد ابدولوژیکی زبان در شاهنامه یکی از مباحثی است که تاکنون کمتر با رویکردهای تاریخی بوده است. این زمینه در پی بررسی این مستند است که ابدولوژیکی در شاهنامه چگونه از زبان در جهت نگای ابدولوژیکی برتری ایرانیان بهره برده است و با استفاده از چه سازوکارهایی کامیابی، نویسنده این مسئله را گفتمان‌سازی کرد. برای نیل به این هدف، در پژوهش حاضر از چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی مبنی بر ریثمو تکنو و دایک (۲۰۰۵ و ۲۰۰۶) استفاده شده است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که فردوسی با استفاده از راهبردهای ابدولوژیکی گلایل نظری و پژوهش‌بندی، باصرفهای مثبت گروه خودی، بارزگری ابزارهای تازه و ابزارهایی که شامل کششان و تعمیق‌بخشی نواسته‌ای ابدولوژیکی برتری ایرانیان را گفتمان‌سازی کرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، دایک، ابزارهای ابدولوژیکی، شاهنامه، رسم، چنگش

fallah@tmu.ac.ir
aghaolg@modares.ac.ir
abdollahian2002@yahoo.com
z_katibeh@yahoo.com

استاد دانشگاه خوارزمی
**استاد زبان شناسی دانشگاه تبریز مدرس
***استادان دانشگاه اراک
****دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

۹۷/۰/۱۴ تاریخ پذیرش
۱۳۹۷/۸/۲۷ شماره۸۴، هزار و نایسبیان
1. مقدمه

در بیشتر منابع مربوط به فردوسی بر دهقان بنده او تأکید شده است. دهقانها در حفظ نزاد و نسب، تاریخ و رعایت آداب و رسوم ملی تعصب و سخت گیری خاصی می‌کردن و به همین سبب است که هر وقت در دوره اسلامی کسی را دهقان نماد دانستند، مقصود صحت نزاد ایرانی اوست. فردوسی از همین طبقه اجتماعی است (صفا، 1363: 18). در موقعیت‌های خاص رندگی فردوسی، که فرهنگ ایران در اثر تهجی و سلسله اعماق اموی و هژمون ترکان غزنوی در معرض زوال و تاندید بود، به‌نمای شاهنشاهی به‌فلت فردوسی حکمی مؤثر بود تا ایران این دوره بحران را یک‌گذراند، بلکه در همین دوره اواز نام شاهنشاهی بپردازد. ممنوعه سند هیأت ایرانی در خنش با بیان سروده‌های شاهنشاهی، بیشتر آنها حاصل میل درونی و دو فو عارفانه‌ای فردوسی باشد، واکنشی است در پر این اوضاع زمانه که شاعر و فضایی روحی و را پرگیخته و از بابت‌شتم شاهنشاهی. هیأت ایرانی در پر این جامعه اسلامی تیره چه در این دوره (تواقب، 1363: 21).

فردوسی بر این است تا به رهگیری بهان داستان‌های اساطیری و ذکر بهلوایی و شاده‌ها ایرانی باور برتی ایرانیان و شکست‌نابینایی آنها را اتفاق کند و به احیای هیأت ایرانی که از رهگیر هژم اعماق و ترکان آسیب دیده و در معرض قرار و زوال است بپردازد.

1.1. مسئله تحقیق

برای بررسی کارگردانی زبان و ایدئولوژی در تولید گفتن‌های ایرانیان در شاهنشاهی می‌توان از روش‌های تحلیل گفتن‌های انتقادی استفاده کرد. تحلیل گفتن‌های انتقادی و تحلیل خودکار که قابل به تأثیر ایدئولوژی و قدرت در زبان است و زبان را کنشی اجتماعی می‌دانند. از منظور این رویکرد، کاربرد خصیتی در زبان وجود دارد و کلیه متن‌ها در اثری با بار ایدئولوژیکی هستند (آقاگلزاده، 1363: 156) به نقل از وادک و فرکلا (1997)، منتقد تحلیل گفتن‌های می‌توان با استفاده از نشانه‌ها و شاخصه‌ها موجود در متن به ایدئولوژی نویسنده بی پیام بپردازد. این زبان‌های در پی انتقاد بخش این سوال است که فردوسی چگونه با استفاده از چه راه‌هایی توانسته ایدئولوژی برتری ایرانیان را گفتن‌های و با خواهانگی متفاوت کند و در حیطه تئیور و قرار هیأت ایرانی گام بپردازد. برای راهیان به پاسخ این پرسش از رفتار نظری نتوانسته و دیکتاتور استفاده شده است که از صحبان نظر زبان تحلیل گفتن‌های انتقادی است. فرضیه پژوهش حاضر
بررسی راهبرد‌های ابتدایی کلامی فردوسی در شاهنامه در راستای بررسی کردن برتری گفتن ابژی ای است.

1.1. روش تحقیق

ماهیت این تحقیق کمی و از نوع توصیفی-تحلیلی است و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. راه‌های گفتنی توان وندایک (2005) و سالیانه (2009) می‌تواند به سه پایه حاضر اینت‌هاده‌ای و به‌طور خاص کارکرد ابتدایی تلویح گفتنان در کانون توجه قرار گرفته است. نبود «رستم و چنگی» پیکره برسی حاضر قرار گرفته است. این دانستنی درای 25 بیت است که پیس از مطالعه و بررسی تمامی ابیات با توجه به مبانی نظری تحقیق، ان تعداد ابیاتی (48) بیت که درباراندی ساخته‌های گفتنان مدار بودن استخراج و تحلیل شده. علت انتخاب این دانستنی است که به‌نظر می‌رسد مفاهیم نظری تحقیق قابلیت توصیف و تبیین داده‌های آن را دارد. شاهنامه چهار مسکو به‌تصحیح سعید حسینی‌ Mitarbeiter (1393) می‌بوده و اعداً به کسی از هر بیت ذکر می‌شود شماره ابیات در چهار بخش گفته‌است.

2. پیشینه پژوهش

تحقیق گفتنان انتقایی رهیافتی نو در جهت فهم و خوانش متن بر بنیان بافت تاریخی و بستر اجتماعی شکل گیری آنها و نیز شناخت ابتدایی حاکم بر متن است. پیشینه اولیه تحقیقات تحلیل گفتنان به دنبال غرب برای گردد. مطالعه‌های فراوانی در این ذخیره نوشته شده است. مشهورترین نظریه‌برداران تحلیل گفتنان انتقایی با روبوکرهای مختلف عبارتند از: 1. فرکلوف، 2. وندایک، 3. کرس، 4. وندایک، 5. ون لیپوون، 6. فرکلوف، 7. فرکلوف، 8. آکسل، 9. از: 1394: از اندازه‌های پژوهش حاضر به رابطه بین ابتدایی و گفتنان از منظر وندایک توجه دارد. به‌مرور پیشینه آثار او در این زمینه می‌برداریم.


تحقیق گفتنان انتقایی انجام شده که در اینجا مهم براینکن به آن‌ها نیست. بالاترین حاصل دریاب بررسی شاهنامه با استفاده از این رویکرد، تاکنون آثار پژوهش بردی نگاشتی شده.
و در این میان جای تحقیقی که به‌طور مستقل بی‌پرستی کارگردانی ایدئولوژی‌زایی زبان در ایجاد
گفتمان برتری ایرانیان و احتیای غور، می‌اندازید. همچنان‌الاخلاق است.

والا (۱۳۸۸) به موضوع تحلیل حکایتی که در داستان دیگر به‌سوی دیگر و «بسته و
افسفاد» برداشته‌است. برای این منظور از آرای میان‌شل فوکو، درباره‌کرده و
و مقایسه درباره تحلیل گفتمان به‌رهبه اینکه ۱۰۰ نماینده می‌دهد که گفتمان
قهرمان ایجاد دیگر داستان‌ها این تاکید این افتاده که در داستان
گفتمان قهرمانی قدرت نهادی، گفتمان قهرمانی قدرت نهادی، گفتمان قهرمانی قدرت
دو می‌باشد و گفتمان قهرمانی قدرت نهادی، گفتمان قهرمانی قدرت نهادی، گفتمان
در داستان دیگر داستان دیگر داستان دیگر داستان دیگر داستان دیگر داستان دیگر
امامی شوشتری (۱۳۹۱) با استفاده از زبان شناسی نقد گزینه‌های
پیشه و همکاران (۱۳۹۱) مسئله هوقف ایرانی در داستان «سپاس» با روی تحلیل
گفتمان انتفاضات مطالب با الهی ترکیبی فوکو، ون دایک و لاک‌و و موفه بررسی کرده‌اند.
نتیجه نشان می‌دهد میزان فرهنگی، میان‌شل سیاسی، و ناب‌مشرک ابعاد تحلیل
هویت ایرانی در داستان «سپاس» است. همچنین ایرانی در تقابل با هواپیمای ایرانی در
داستان شک‌گرفته و فردوسی در تمام سطوح منطقی که این در هواپیمای ایرانی بر جهت
شود و هواپیمای به‌نشانه‌های راهنداز شود. در این پژوهش، برای تحلیل، بر آن جنبه از
رویکرد ون دایک تکه‌تکه که به نمایش‌گذاری نشان گفتنام‌ها بین کودک و دیگری به
درس‌های اکتیب بر خوبی‌های خود و بسیاری دیگران توجه دارد، لیکه راه‌بردهای کلاسی
ایدئولوژی محور در ایجاد گفتنام و بی‌پرستی گفتنام ایرانی و ایرانی‌مرد توجه نیوده است.

حامد شبیه و زرقانی (۱۳۹۲) داستان «مست و شفاف» را از منظر تحلیل انتفاضات
گفتنام برتری کرده‌اند و برای این تحلیل از الهی تحلیل گفتنام ون دایک، موسوم به مربع
ایدئولوژیک استفاده کرده‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که شویه‌تودن رواست در
داستان بگونه‌ای است که مسئولیت خود (مست و زال) که چرخه‌ها و تاثیرات دیگری
نوشته و شایای کلید بر اینکه برجسته نشان‌های ستون و چهره دیگری نمی‌باشد که تصوری که شده است. در این پژوهش مربع ایدئولوژیهای مفهومی بوده و دیگری
شیوه بی‌پرستی خود و دیگری در چارچوب شیوه‌های داستان، بدون در نظر گرفتن بافت
بررسی راهبردهای ابتدایی شناخته‌نامه در تولید گفتگوی برتری ایرانیان، صفحه 127-150

تاريخی و کارکرد شناخته‌نامه در گفتگوی سازی و راهبردهای کلامی ابتدایی‌های ابتدایی‌های آن محل تأکید بوده است. در حالی که در پژوهش‌های بیشتر، با توجه به افتخارات تاریخی و اوضاع اجتماعی، کارکرد زبان در انتقال ابتدایی فردوسی و ایجاد گفتگوی برتری ایرانیان بررسی شده است و در کنار مربع ابتدایی‌که راهبردهای ابتدایی‌های ابتدایی‌های گفتگوی سازی مبنای این بررسی بوده‌اند.

پژوهش‌های شگرفی برای رابطه منفی‌کننده ابتدایی‌های ابتدایی‌های گفتگوی بررسی نظریه ون دایک، نبرد «سمت و چگونگی» را، که بخشی از داستان «سمت و خلافان چین» است، تحت بررسی و تحلیل قرار داده و بر طبق نظریه مربع ابتدایی‌های راهبردهای ابتدایی‌های گفتگوی سازی را در این اثر و اکثریتی شناختی که است. در کنار توجه به بستر اجتماعی شکل‌گیری شناخته‌نامه، سعی بر این است که تأثیر ابتدایی‌های فردوسی و چگونگی‌های اجتماعی آن در نوی‌بکارگیره کلام او شناخته شود. نتایج چنین کاربرد خاصی از زبان در قابل تحلیل گفتگوی انتقادی بررسی و تنبیه می‌شود.

محققان ذکر شده، در کنار بررسی بخش‌های دیگری از شناخته‌نامه به‌عنوان داده، از راهبردهای صاحب‌نظران دیگر این حوزه نظر فرهنگ و ظرافت و مفهوم بهره برده بودند و ابتکارانی که در پژوهش‌های تحلیل داده‌ها و نتایج بخاطر کاهش این با این تحقیق متفاوت است و اگر هم در نظریه ون دایک استفاده کرده‌اند صرفه به تقلیل بین جوی و دیگری در مبنای تأکید بر خویه‌های خود و بین تا توجه به این است. جنبه نوآورانه و تمایزبخش پژوهش حاضر این است که اولاً، با توجه به مفهوم ابتدایی‌های هم‌دور خاص در روابط ون دایک، داده‌ها در جهت شیوه گفتگوی سازی فردوسی بررسی کرده و ثانیاً، بر طبق اصول مربع ابتدایی‌های ون دایک، راهبردهای کلامی تولید گفتگوی برتری ایرانیان در پژوهش‌های ایرانیان در پژوهش‌های ایرانیان در بر نگرفته‌اند. توجه به تجربه خاص ابتدایی‌های منظره ون دایک و همچنین شناسایی و بررسی راهبردهای کلامی ابتدایی‌های گفتگوی در جهت بزرگ‌تری گفتگوی بررسی، منظره نظریه ون دایک، نشان‌دهنده دریای شناخته‌نامه بکه در مورد مکان ادبی دیگر نیز تازگی دارد.
یکی از صاحبنظران حوزه تحلیل گفتگوی انتقادی، نتون. ای، ون‌دایک، برای تحلیل چکننده تکوین و پژوهشگر گفتگوی در جامعه به مسئله ابتدولوژی توجه و پژوهش دارد و به‌طوری‌که می‌توان کلیدی‌گردهای رهاییت تحلیل گفتگویی از واکنش‌های ابتدولوژی دانست. از این‌جایی، تحلیل نظری این پژوهش طبق آرای ون‌دایک صورت می‌گیرد، در این قسمت به تعریف از مهارت‌های ابتدولوژی و ارتباط آن با گفتگو و راهبردهای ابتدولوژیکی توصیف گفتگویی نیاز می‌آورد. ون‌دایک بر طبق روبرویی‌های جنبشی و مبانی این که از ترکیب گفتگویی، شناخت و اجتماع شکل دیده می‌شود. دیدگاه دارد که تاریخ‌های جامع درباره ابتدولوژی از دیدگاه سلطانی، ۱۳۹۲، ۵۹. ابتدولوژی باورهای بیان‌ها و تجربیات آن است (ون‌دایک، ۲۰۰۰، ۷). برخلاف غالب دیدگاه‌های صنعتی درباره ابتدولوژی، ابتدولوژی اینجا در چارچوبی ترکیب‌پذیری از مؤلفه‌های اجتماعی، شناختی و گفتگویی تعریف می‌شود.
بررسی راهبردهای ایدئولوژیکی شناخته‌ای در تولید گفتمان برتری ایرانیان، ص ص 127-150

به‌مثابه نظام طرز‌فکری، به‌صورت شناختی، اجتماعی هم‌جوی بزرگ‌نمانی‌های تفسیری‌افکت جوهر اجتماعی تعیین می‌شود (ون‌داوب، 2005: 115). مفهوم خاصی که در این مقاله از ایدئولوژی در نظر داریم، آن چیزی است که برای توصیف باروری‌های خاص و بی‌سابقهی جوهری است که به شورانگیزی و به‌وسیله موضوع اجتماعی ایجاد، می‌کند و شامل دست‌بندی‌های مانند معماری عضویت، فعالیت‌های عمومی اهداف، هنجرها و ارزش‌ها، جوهر اجتماعی مرجع، منابع اساسی و علاقه‌مندی‌ها است (اَبِنَان، 2000).

دریاباری تأثیر ایدئولوژی بر گفتمان، ون‌داوب معتقد است که گفتمان‌ها نقشی اساسی در تبیین روان‌های و بازتوانی ایدئولوژی‌ها دارند (ون‌داوب، 2000: 2). ایدئولوژی‌ها به‌طور عمومی در پرکردن‌های اجتماعی اعضا، بیان و بازنمایی می‌شوند و به‌طور خاص در بوسیله‌ گفتمان‌ها ایجاد، تا‌پید، دگرگون و پایدار می‌شوند (ون‌داوب، 2005: 115).

مرجع ایدئولوژی

احراز مثابه نظام طرز‌فکری، به‌صورت شناختی، اجتماعی هم‌جوی بزرگ‌نمانی‌های تفسیری‌افکت جوهر اجتماعی تعیین می‌شود (ون‌داوب، 2005: 115). مفهوم خاصی که در این مقاله از ایدئولوژی در نظر داریم، آن چیزی است که برای توصیف باروری‌های خاص و بی‌سابقهی جوهری است که به شورانگیزی و به‌وسیله موضوع اجتماعی ایجاد، می‌کند و شامل دست‌بندی‌های مانند معماری عضویت، فعالیت‌های عمومی اهداف، هنجرها و ارزش‌ها، جوهر اجتماعی مرجع، منابع اساسی و علاقه‌مندی‌ها است (اَبِنَان، 2000).

دریاباری تأثیر ایدئولوژی بر گفتمان، ون‌داوب معتقد است که گفتمان‌ها نقشی اساسی در تبیین روان‌های و بازتوانی ایدئولوژی‌ها دارند (ون‌داوب، 2000: 2). ایدئولوژی‌ها به‌طور عمومی در پرکردن‌های اجتماعی اعضا، بیان و بازنمایی می‌شوند و به‌طور خاص در بوسیله‌ گفتمان‌ها ایجاد، تا‌پید، دگرگون و پایدار می‌شوند (ون‌داوب، 2005: 115).

مرجع ایدئولوژی

احراز مثابه نظام طرز‌فکری، به‌صورت شناختی، اجتماعی هم‌جوی بزرگ‌نمانی‌های تفسیری‌افکت جوهر اجتماعی تعیین می‌شود (ون‌داوب، 2005: 115). مفهوم خاصی که در این مقاله از ایدئولوژی در نظر داریم، آن چیزی است که برای توصیف باروری‌های خاص و بی‌سابقهی جوهری است که به شورانگیزی و به‌وسیله موضوع اجتماعی ایجاد، می‌کند و شامل دست‌بندی‌های مانند معماری عضویت، فعالیت‌های عمومی اهداف، هنجرها و ارزش‌ها، جوهر اجتماعی مرجع، منابع اساسی و علاقه‌مندی‌ها است (اَبِنَان، 2000).

دریاباری تأثیر ایدئولوژی بر گفتمان، ون‌داوب معتقد است که گفتمان‌ها نقشی اساسی در تبیین روان‌های و بازتوانی ایدئولوژی‌ها دارند (ون‌داوب، 2000: 2). ایدئولوژی‌ها به‌طور عمومی در پرکردن‌های اجتماعی اعضا، بیان و بازنمایی می‌شوند و به‌طور خاص در بوسیله‌ گفتمان‌ها ایجاد، تا‌پید، دگرگون و پایدار می‌شوند (ون‌داوب، 2005: 115).

مرجع ایدئولوژی

احراز مثابه نظام طرز‌فکری، به‌صورت شناختی، اجتماعی هم‌جوی بزرگ‌نمانی‌های تفسیری‌افکت جوهر اجتماعی تعیین می‌شود (ون‌داوب، 2005: 115). مفهوم خاصی که در این مقاله از ایدئولوژی در نظر داریم، آن چیزی است که برای توصیف باروری‌های خاص و بی‌سابقهی جوهری است که به شورانگیزی و به‌وسیله موضوع اجتماعی ایجاد، می‌کند و encompassed views. an expression of the philosophical, social, and cultural conditions that shape the individual and the collective.

In this study, we have identified a social condition that is characterized by a dominant ideology which influences individuals and groups. This ideology is expressed through various social actions and practices, and it is based on a set of values and beliefs that are shared by a large number of people. The ideology is not static, but it changes over time as a result of social and historical factors. The ideology is also not uniform, as it includes different perspectives and interpretations of its core principles.

The ideology has a significant impact on the way people perceive and interact with each other. It affects their decisions, their priorities, and their actions. The ideology also influences the way society is structured and organized. It shapes the policies and practices of governments, businesses, and other institutions, and it affects the way society is divided and organized.

In conclusion, the ideology is a powerful force that shapes society and influences the way people think and act. It is a complex and dynamic phenomenon that is influenced by a wide range of factors. It is an important area of study for social scientists, and it has important implications for public policy and social change.
گفتمان‌ها عموماً خوب‌های رقیب‌خود را نادیده می‌گیرند. هر گاه معنی‌های تندی کننده امروز مثبت بانده، در حقیقت با درون گروه فرد مستقل ارتباط دارند و هم‌هایی باشند. ساختاری گفتمان برای تأکید بر چنین معنایی است و مثابه آنها را برای دیگران، رقبا و دشمنان بنده می‌کند (دون‌دایک، 2005: 233).

راهبردهای ایدئولوژیکی تولید گفتمان

در ادامه راهبردهای عمومی تولید گفتمان ایدئولوژیکی و نیز راهبارهای برای کشف آسان با پژوهشگری شبیه‌سازی تحلیل ایدئولوژیک گفتمان ارائه می‌شود. از میان راهبردهایی که دون‌دایک نام می‌برد، در اینجا به مواردی که به تحلیل داده‌های پژوهش حاضر کمک می‌کند اشاره می‌شود.

توصیف کنشگر

شیوه‌ای که کنشگرها در گفتمان توصیف می‌شوند به ایدئولوژی ما وابسته است. ما عموماً تماشای داریم درون گروه خود را مثبت و طبیعی توصیف کنیم و بروز گروه و برای منفی توصیف می‌کنیم. ما توصیفات منفی گروه خود را از رنگ‌های منفی تصور و بر ویژگی‌های منفی دیگران تأکید می‌کنیم (دون‌دایک، 2005: 235).

 lucrای بخشی

به‌گاه فراهم‌آوردن داستان‌های خاص در کلام، ممکن است گونه‌گان از راهبرد تعمیم‌بخشی، به‌منظور تعمیم‌دادن نقاط منفی گروه غیرخودی استفاده کنند. در مثال، در گفتمان نژادپرستی، عموماً تبعیض در دید و ویژگی‌های منفی عمومیت‌ذیر مهاجران ساخته و پرداخته می‌شود (همان).

واقع‌گرایی

برخگشایی یک اثر بیانی‌ معنایی برای غیرنرگرد محتوا (و افراشی بار معنایی) در محدوده عمومی بارشناسی مثبت خود و بارشناسی منفی دیگری است. ما منظور از داریم نقاط منفی گروه قبیل بزرگ‌شناسی شود و نقاط منفی گروه خودی با عبارات‌کاشف‌دهنده بیان شود. بعضی وقت‌ها این گزارنده واحد توجه به جایگاه، نقش، اهداف، دیدگاه‌ها و عقیده‌گونه‌های ممکن است با کلمات متناوب بیان شوند و این امر عقلانی ترکیبات است (همان، 236).
پرسی راهبردهای ایدئولوژیکی شاهنشاهی در تولید کنگان برتری ایرانیان، ص 127-150

قطب‌بندی (دسته‌بندی ماده‌آنیا) ۱۷

اعدادی از راهبردهای معنایی در بحث شیوه پژوهش‌هایی از اصطلاح "عکس معمولی قطب‌بندی شده" و تقسیم مردم به دو دسته درون گروه (ما) و برون گروه (آنها) جلوه می‌کند. این نشان می‌دهد که سخن‌گفتگوی با نوشتاری متن درباره دیگران به‌شکل توسط پژوهش‌های نهفته اجتماعی مانند گراشها و ایدئولوژی‌های گروه‌ها گسترش می‌شود. بخشی از آنکه به‌وسیله الگوهای انتخابی و شخصی افراد کنترل شود. قطب‌بندی ممکن است به صورت زیرمجمعاً خوب و بد در مورد گروه‌های نمود بی‌پدید کند، مثل در حال حاضر دوستان و متحدان در یکسوم و شش‌ماین از سوی گروه (همان)، بايد توجه داشت که قضیه‌نگاری از نظر برنامه‌هایی که توابع غنی‌تر هنگامی که نیازهای را بیان کند، این کار با تخصص و مهارت های ما و آنها که از نظر معنایی متشاد همان صورت می‌پذیرد (ون داکی، ۲۰۰۰: ۲۰۰).

بازنیمایی مثبت خود ۱۸

خواص اخوان‌های هم‌مردم با خویشتن‌گاوش‌بند گروه، کشف گروه با راهبردهای عمومی دیگری مشخص می‌شود که طرفداری درون گروه با پژوهشی مثبت خود نامیده می‌شود. شکل منسجم این راهبرد این گونه است که هم‌مردم مشخصات مثبت گروه خود تاکید می‌کند، مانند هزینه ما. اینگونه بازنیمایی مثبت خود امری ضروری ایدئولوژیک است؛ چراکه بر نحوه مناسبی خود مبتنی است که ایدئولوژی گروه را مشخص می‌کند (ون داکی، ۲۰۰۰: ۲۰۰۵: ۲۰۰۶).

بازنیمایی منفی دیگران ۱۹

تقسیم مردم به دو دسته درون گروه و برون گروه، و حتی تقسیم‌بندی برون و گروه به دو زیرمجمعاً برون گروه بد و برون گروه خوب، نهادها خالی از ارزش نیست، بلکه به کاربردهای ایدئولوژی‌محور هنگامی و ارزش‌ها نیز غنا می‌بیند. بازنیمایی منفی دیگران منشأ بازنمایی مثبت خود است (همان، ۱۳۸۷).

کتابه ۲۰

کتابه نیز یکی از ابزارهای بینی است که می‌تواند همچون راهبردهای برای زیرسؤال پرداختن گروه‌ی غیرخودی به‌کار گرفته شود. کتابه برای کسانی از جایگاه طرف مقابل به‌کار می‌رود (همان).
2. تجزیه و تحلیل داده‌ها
1. آیات 1 تا 20

اصل داستان از جایی آغاز می‌شود که گروه غیرخودی، با تورانیان با شنیدن خبر
کشتنی کاموس کشانی، به‌تهامه کشتنی گفت‌مان غیرخودی از نگاه فردوسی، دچار تخریب
و تزئین شدیدی می‌شوند و سران سایه با غافلگیری در پی چاره‌هستند. آنها نزد خاقان
می‌روند و خاقان به آنها دلداری و امید می‌دهد که می‌توانند ایران را شکست دهند، فقط
با یاد رفتنی پهلوانی که کاموس را کشتنی کشتنی نام و ناماده خاستگاه باشد در قبال
او اقدام کند، چراکه هنوز پهلوان ایرانی در گفت‌مان غیرخودی از نگاه فردوسی برای آنها
روشن نیست و نمی‌دانند طرف مقابل آنها رستم. کشتنی گفت‌مان ایرانی است.

در این داستان، اولین راهبرد ایمان‌پذیری برای گفت‌مان سازی برتری ایرانیان، قطب‌بندی
یا دسته‌بندی دلارها است، با این‌صورت که سپاه ایران به‌منظور "ما" (گفت‌مان خودی) و
سپاه تورانیان قطب ملکه "آنها" (گفت‌مان غیرخودی) است و فردوسی در ادامه از
راهنمایی مکمل، یعنی راهبرد بازنمایی مثبت گروه خودی و بازنمایی منفی گفت‌مان رقیب
یا تورانی، استفاده می‌کند. با توجه به اطلاع مربوط به ایجاد اینگونه گفت‌مانی، در
جهان موجودی نقاط
ثبت قطب خودی درجتسه می‌شود و ویژگی‌های مثبت قطب غیرخودی به حاشیه رانده
می‌شود و نقاط ضعف آنها برگنگ می‌شود. باتوجه به این‌جوره، می‌توان یاد داشت
این‌گونه درک گروه در راستای نیل به دو هدف اصلی بازنمایی منفی (گفت‌مان
خودی) و بازنمایی منفی برون گروه (گفت‌مان رقیب یا غیر) تفسیر و بررسی کرد و در این
که راهبردهای کلامی و ارگانی، برگنامه‌ای توصیف گشتگاهی و در جهت و چه
نیتی یا کش کاربردشناسی (منظور شناختی) به گذاردن

بازنمایی مثبت (بررسی‌سازی) قطب خودی (ایرانی)

همه سکه‌های گرد نهان روز
همه برخوردار از چهال صد کیس
چه مرد است و این مرد را نام چیست
(فردوی، 1393، ب، 7-8)

در مصراه اول بیت 7، واقع "همه نشان دهنده عمومیت حال درمانگاه در سه‌ها توران است
که باعث حاشیه‌اندازی گفت‌مان تورانی و بازنمایی منفی آن می‌شود، چراکه همه آنها را
منتزل جلوه می‌دهد (که راهبرد تعیینی‌بخش در مبانی نظری) و در ادامه، تکرار پرسامد

27. شماره 86

زبان و ادبیات فارسی سال
بررسی راه‌های ایجاد و رشد کشتی‌گیری در تولید کفتنام برگی ایرانی، صفحه 127-150

واژه مرد چهار مرتبه در طی سه مصارع پی دری (پیش‌تر و پرخاش جوی) (جنتعلی) درباره رستم، از طریق راهبرد واژگان گرافی در ایجاد بار اثر قدرتمندی و شکوه ایرانیان باستان می‌شود. درجات مناسبی در رزم‌نامه و دیدگاه‌های آن نقش برسرای ایفا می‌کند.

چگونه کاموس که را به خصمه کنند

بگیرد برای آزادی بر زمینه

سوز کم در سر بیبل روز کمین (همان، ب. 13-12)

اینگاه رستم توانسته کاموس را که در جنگ‌واری و قدرت همانندی نداشت این کشف دهد. در حقیقت به برجمتکردن نقاط قوت کفتنام ایرانی می‌انجامد. خصوصیاتی که برای کاموس از منظر واژگان گرافی درخور توجه است. معانی مشابه با توجه به جایگاه، نقش، اهداف، دیدگاهها و عقیده گوینده ممکن است با کلیه مفاهیم بینان شوند. (اوزاک) 2005: 747-749، جراحه در بادی امر ممکن است بازمینی مثبت گروه غیر بهرهبرداری و لی دیقیقاً کارکرد آن برجمتکرستخانه عظمت کار رستم به‌منظور کشف کفتنام خود، این جراحه رستم توانسته کاموس که پهلوان (گو) است قبیحی کند. در بیت 13 نیز با استفاده از راهبرد برگنده، به‌زبان معمایی این کشتی‌گیری را به‌کارگیری می‌کند. در متعددی از مصارع‌های ایرانی به‌منظور کشف کفتنام منفی دیده نشده، که برهمکنش این می‌کند. در بیت 18 برجمتکری قطب ایرانی در مصارع اول و بحث‌های بارگونه در مصارع توم دیده می‌شود: جراحه در مصارع اول، از رستم با تعیین گریدر، می‌باید شده و در مصارع بعد، از زبان جویند گریدر شده که این هماوردی در این لشکر برای ایستا یعنی خود اذعان به این می‌کند که در لشکر کفتنام تورانی کسی را برای هماوردی با رستم ندارند.

که ناکشف زان لشکر پرگونه

کما پیل کرده به خصمه کم‌کتر

(همان، ب. 21)

تعیین لشکر برگنده دربار قطب ایرانی شاید در بادی امر صفتی مثبته باشد، ولی وقتی به کارکرد آن و گوینده آن توجه شود تعیین مثبته و افتادن‌کار برای قطب ایرانی از زبان کفتنام غیرمورد است؛ جراحه از نظر دشمن، سبب ایران توانسته سیاسی اسپرسان باشد نه منفعل و نیک تحکم، پس در نهایت به برجمتکری قدرت و شکوه قطب ایرانی می‌انجامد.
پژوهشگر که از زبان خاکان چین در بیت ۲۹ در توصیف رستم (مرد جنگی به‌نام سواز کمدافکن، گُردگیر) به‌صورت یک‌دری در استفاده می‌کند، در جهت بررسی‌سازی قدرت قطب ایرانی و پاژمانی مثبت آن است. در این بیت، از دو راهبرد ورگانگرایی (استفاده از کلمات اقتداربخش) و توصیف کنکور (صفایی که دربی رستم آمده و چنین آثاری است که توانسته در این مورد نکنند).

بازتابی منفی قطب خودکاری (تورانی)

توصیف حیرت و حال و و از شناسه‌سازی سیای ایران در برگ آشتی، ساختارهای گفتنی مدار این بخش متن است که در اتفاق نامناسب و عجیب داشته‌اند در نبرد با ایرانیان و پاژمانی منفی کشاورزی به کاموشن شنا نبره زند و تلغی

(همان، ۹)

اینکه فردوسی از دو تن از سران توپان (کشاورز و شناختی) نام می‌برد و آنان را به‌دلیل کشت‌شناسی کاموشن، تب‌مرز و تلفکام می‌خواند. در تأکید و برچسب‌سازی ضعف گروه غیرخودی به توپانی نقض مهمی ایفا می‌کند. علاوه براین، این وضعیت را به‌جودا بلخ تعیین می‌دهد و در نتیجه با استفاده از دو راهبرد ورگانگرایی و تعابیدی شدید در یک بیت، به‌پاژمانی منفی گروه غیرخودی می‌پردازد و ویژگی‌های منفی آن را بر جسته‌ای می‌سازد.

چنین همیشه به پردازشی که امروز شده حساب از زمان سپر

(همان، ۹)

همان در نواحی یک عنصر از گفتنی توپان ویژه اظهار عجز گشوده است. تعبیر سپردن چنان که در زمین تعبیر سنگینی است؛ چراکه بازگرددوی ایستاده در برگ سیاه ایران نشان
کاموس مهره‌ای صنعت نوران در این جنگ بوده و کشتی‌شنده یا برای نورانیان بسیار
باورکردنی است و آنها در اظهارات خود به این مسئله اشاره دارند. کشتی‌شنده کاموس با آن
عذرت‌گویی به هر رستم گزاره‌ای است در جهت شرم‌آوراندن و کم‌تر کردن
گفتگوهای زورین و اینکه دیگر پس از این نمی‌دانند چه کسی و دوستانه هستند. دومن نه نه در
جهت به‌اشتهاین‌اند گفتگوی زیرخویی و بردن کردن ضعف آنها. از نظر وازگان گرامی،
بی‌کاری و بردن، زیرک و "جنگ" درباره کنشگری زورین است که هر چند در ظاهر
غیرقابلی با یک معانی مثبت به‌نظر می‌رسد، در واقع باعث برهم‌سازی ضعف نورانیان
است و بر استیصال آنها با وجود داشتن و رگ‌هایی چون بزرگی و جنگ‌جویی در برابر
رستم تاکید می‌کند. در این گزارد، بر قدرت قطب‌های ایرانی که باعث ایجاد درمان‌دندگی در
گفتگوی زوریان شده است تاکید و از سوی دیگر ضعف قطب رهبری رهبری می‌شود.

به گفتگوی چند ناسیونالیزی در صوبای سریا نسود
وز پیشتر نسرود
(همان: 11)

در این بیت، از عقیده راهبرد توصیف کنشگر، جایگاه واحدی کاموس در جریه قیدی
می‌شود، وی اینکه چنین شخصیتی با ویژگی‌هایی (نامداری و پیل‌نتی) که برخوردار
محتار به‌ویژه رستم پهلوان ایرانی کشته می‌شود، طبق مربع ایدئولوژیک، یک
گزارد گفتگوی در جهت برهم‌سازی توانمندی قطب خویی (ایران) و در حین حال تضعیف
و به‌اصبح به‌زوریان قطب غیرخویی (نوران) محسوب می‌شود.

به پیروی چنین گفت‌خانامه‌ای، که خود در این است و تیماری از این
(همان: 20)

از منظر وازگان گرامی، به‌کارگیری تعبیر درد و "پی‌مر" برای تیپ که وضعیت موجود از زبان
کنشگری از قطب قیدی، گزارش در جهت به‌اصبح از کنشگری فرمان نورانی است.
در ادامه، خانمان چنین برای ویژه‌ی خود اظهارات و ادعاهای را مبینی بر
شکست‌داده سیاست‌های ایران مطرح ساخته می‌کند. این ادعاهای در ظاهر ممکن است بازنمایی منفی
فال ایرانی و به‌ویژه ایرانیان آن به‌نظر بررسی‌‌ویلی در سیر داستان و در کلاش‌خواهان آن مشخص می‌شود که این حرف‌ها مالی برای وقوع توار در ادعای صرف است و در نهایت پهلوان ایرانی است که پرواز می‌شود. آن گاه بر عكس، باعث برجهست‌ساخت گفتگو ایرانی می‌شود و در پرتاب کردن دیدگاه جایگاه آن و گفتگو‌سازی شکست ناپذیری ایرانیان مؤثر است. البته، نیازی از نظر دسته‌ها که وجود چینی‌هایی رژیم‌هایی رژیم‌هایی بجا می‌باید داستان و فورت و بحث بخشیدن به آن کمک زبانی می‌کند و اساساً ذات حساسه نیز به چینی رژیم‌های اسلامی و ادعاها برای ایجاد تفاوت جنگ و کمک‌کننده اختیاج دارد:

به‌ویژه ایران گفتگوی رود آب

همه شیوه ایران که در اثر رود آب

(همان، ۱۸۶۲)

خلاقان چین گزاره‌هایی را مطرح می‌کند که بر نوع قدرت قطعی خوش‌بینی می‌کند (با ادعا)

توانمندی در عین‌دادگی چنین کسی که کامس را کشته و همه سرزمین ایران را ویران کرده است) و قدرت قطع ایرانی را نادیده و کیهان‌انگارد (چرا که با بیان این ادعاها در حقیقت کانال به ضعف آنها در برای خوش‌بینی است) که چینین اسلامی بر این کوچ گرفته و ویژه که اول، تصویف پژواری برتری ایرانیان در زبان ایتوپولوژیکی فرودسی در کوچ مرز ایتوپولوژیکی وون‌دایک قابل تصویف و تبیین است و تبیین کرده، فرودسی با استفاده راه‌حل‌های مختل روابط ون‌دایک از قبیل تصویف کنشگران و انتخاب‌ها و خلق ترکیبات زبانی مناسب با فاصلهٔ موقت‌یابی، این مهم را در شناخته‌ها محقق ساخته است.

۱.۴. نبود دستیابی به جنگ (ایيات ۷۵-۱۹۴)

در این بخش از داستان، تقابل بین قطع ایران و توران به‌دلیل روپارویی و نبرد تنش‌مند، دو پهلوان نمود صریح‌تری یبدای می‌کند؛ چراکه این پهلوان دید ویران و رگ‌زدایی و شایستگی‌های خود و پروزه و برجهست‌ساخت توجه و همین‌طور توامندی و قدرت طرف مقابل ریز سوالم وارد که این امر بر معیت ایتوپولوژیکی وندایک قابل انطباق است. در نهایت، در سطح کلاسی و با درنظرگرفتن نقش فرودسی در جایگاه راوی و الینه حامی گفتگو ایرانی، یا به‌ساده دیده که هر کدام از دو قطع ایرانی و تورانی چکوک و با چه راه‌لنگه‌هایی پانزده‌گی شده‌اند. بعید بوده، گفتگوی
بررسی راهبردهای ایدئولوژیکی شاهنشاهی در تولید گفتمان برتری ایرانیان، صص 127-150.

خودی با چه راهبردهایی برخورده شده و گفتمان رقیب یا غیر چگونه کرایه و یا اعتبار شده است. از این رهگیری، کارکرد ایدئولوژیکی زبان در شاهنشاهی را می‌توان واقعی کرد.

سوالی سرافراز و خسروپورست

یک‌بار به بر زدن کار دست
دلی و کاری که در پیشنهاد بود

(همان: 32-33)

دانست با توصیف چنگش آغاز می‌شود. با استفاده راهبردهای توصیف گنجشک، گنجشک فردری دلس و سرافراز، جوینده و پویاندازهای می‌شود که از نظر راهبردهای واژگان ادبی نیز تعابیری می‌شود. اینبه فرآیند فردی از قطع رقیب را به قدرت می‌پذیرد و بررسی را به‌طور چسبندگی با مراحل این امر می‌کنند. است عجب و مغایر با مربع ایدئولوژیکی به‌طور باورنکردنی، ولی کارکرد واقعی ویژگی‌هایی که برای می‌شود، در انتهای دانست مشخص می‌شود؛ این، جایی که نمی‌توان ایرانی برای یک خصوصیات فاقه می‌شود و ایفای خویش و خوایی از بین

در ادامه، چنگش نزد خانواده چین، با استفاده از راهبردهای برتری که می‌شود (در بیت 203 و تأکید بر ویژگی‌های مشابه خود (بیت 245) و که‌گاهی مورد طرف مقابل (بیت 47) و در جهت بازنمایی مشابه خویش و به‌حاچرگان طرف مقابل (رست)، می‌کوشند.

همه رفت در عرصه آدرکسن

از آن دشت چنگش پرتابه‌ای است

(همان: 40-41)

tوصیفاتی که برای حکمت چنگش (کنشگر توراتی) به‌سمت سپاه ایران ذکر شده است، سرعت عمل و در بیت بعید آدامگی و شتاب برای چنگش با طرف ایرانی را از جنبه او نشان می‌دهد. این امر در راستای برخوردهایی قطب خیز‌گردنی به ظن می‌رسد، یعنی شکست سختی که متعاقب یا این وجود این آدامگی برای نبرد و خودبازاری وارد می‌شود، نشان‌دهنده و بارز‌گردنی ضعف و ناتوانی قطب توراتی است.
در مصراع اول این بیت نیز، چنگش در جهت پزشکی مثبت توانمندی‌ها و قدرت خویش می‌کوشد و در مصراع دوم ضمن تأکید بر قدرت خود، در حقیقت، قدرت "نمادان" را کم می‌انگار. این اصول دارای رای مناسب تأثیر ایجاد و به‌طور واقعی اضافه‌یک و چهار) لیست بندی است.

که گاهی کمک افکت کننده تیمور کنونگر پایدار به اردوگاه نامه که ماند به نذر سیاه (مانی: ۴۴-۲۵)

چنگش برای تحقیق رستم و ولاد جلودادن قدرت خود نازی نکند و به نوعی خود را از رستم قوی‌تر می‌داند و مدعی است کسی که کاموس را کشته، در برادر او نمی‌داند است و شکست خواهد خورد. در بیت ۴۵ روند به حاشیه‌ریان رستم توسط چنگش اوچ می‌گیرد.

چراکه مدعی است در لحظه او را می‌کشد.

رژخواهی چنگش و ادمه‌یا از مبنى بر شکست دادن یهپاپا ایرانی یکه نمی‌داند رستم است. مشکل از دو راهبرد کفتنمان. حسن بارزانی مثبت خود و بارزانی مثبت دیگری است و بر مبنای مربع ایکتولونژی و دایکر نیز تفسیر‌پذیر است: بر جستراتی وی‌گه‌های خوب گروه خود و فروکاس و که هرک‌گردن نقاط قوت کفتنمان رقیب.

بینپیبر بنا گزار رستم‌زار جیانه (مانی: ۴۶)

راهبرد توصیف کنکار در مصراع دوم این بیت، سرعت عمل رستم را برای رفتنه به چنگ رقیب به تصویر می‌کشد که این شتاب نشان‌دهنده خمی از شنيندن ادعاه و رژه‌هاي چنگش است. ای سخن را تحقیق‌آمیز قربی را برخی تابید.

قسمت فست شیرآرون و گردگیر که گاهی افکت شدکنده تیمور به دیده‌هیه خاک با پی سیرند (مانی: ۴۶)

از منظر واقعان گرایی، این دو بیت درخور توجه است. صافیه که رستم برای خود (شیرآرون و گردگیر) ذکر می‌کند، ضمن اینکه بر قدرت بدنی و جنگاوری رستم تأکید دارد، تأیید گردند قدرت رقیب از نیز هست: (چرا که به طور ضمنی قربی را شهر و گردی می‌داند
بررسی راهبردهای ایدئولوژیکی شاهنشاهی در تولید گفتگوی برتری ایرانیان، صفحه 127-150

که ارزیابی می‌تواند بر اثر فاصله شود، یعنی، اگر بین این بود که رقبایش ضعیف و دامنه یک‌خط‌دار بود، آن‌گاه عظمتی کار از بازنمایی زمانی دیده نمی‌شود که بر افرادی غیر از کنند که به داشتن قدرت و پیشگاه مشهورند. صفت "فردا" در بین بعد درباره کامپز نیز همین کارکرده را دارد. البته این دو بیت بازنمایی منتقل قطب خودی (ابرین) را با واگذاریی دادن جایگاه آن و نیز کامپز نیازی برای تحقیق گفتگوی رهبر در ظالم دارد. چرا که هنر رهبری تجربه می‌گوید سروشی همچون سروشی کامپز (مرگ) همیشه در اندازه توزیع رستم نیز با تاکید بر قدرت خوش و برجسته‌ساختن ضعف رهبر و تنازدگی گفتگوی قدرت از، منطق بر اساس

مردم ایدئولوژیکی، با بازنمایی منتقل قطب خودی و بازنمایی منفی کنگسر رهبری چه‌وردازه…

بدو گفتگوی چه‌که نمونه چه‌گه‌اردد که نیاز دادن است و کامن تو‌چیست

بدوان نسب‌نگه چه‌روزی‌ردد

(همان: ۴۹-۵۰)

مسئله اصلی صبر توران، پس از کشتختیان کامپز، یک‌پرده به‌هوتی کسی است که قانونی او را بکند و به این منظور خانان چنگش را به میان‌بردن می‌فرستد (پیت ۱۱). ولی در اینجا چنگش پرستش اصلی خود را در قبیل مطرح می‌کند که تنها نشان دهنده ضعف و واهمه آنان باید، بلکه تکرر رهبر (گفتگوی ایرانی) را کامپز کند و به حاشیه بزنند. این شیوه طرح موضوع، کاملاً از مبنای مربع ایدئولوژیک نبیم‌پذیر است که هدف آن کامپزی‌ساختن حق شکایت گفتگوی خودی و به‌حالی‌کشاندن نقاط قوت گفتگوی رهبر است.

بدو گفتگوی که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چه‌که‌ی‌چ
توصیف کنسنگر (چنگش) به‌گونه‌ای است که سرعت عمل و آمادگی ارا برای نبرد با رستم نشان می‌دهد: کمی‌امدآمده تیراندازی و دارای تیرهای بسیار، مندگان ابری، یاد که باران از آن بارده و جوش‌ش و گی‌ه‌نم به تن داشته، این توصیفات در جهت نشان‌دادن این مطلب است که او چیزی از نظر جنگ‌کاری و زرم‌آزمایی کم ندارد. همان‌طور که پیش از این گذشت، کارکرد یافتن این برجه‌نماها از گفتگونی‌های تالاری با، البته در و پیش‌نشین کردن توانمندی‌های گفتگون ایرانی است؛ چراکه من عده‌ای که رقیق قدرت‌نامی غلبه کنند، فردوسی برای تطبیق امتدالوزه برتری ایرانیان همیشه‌نداهن از این شیوه استفاده می‌کند. از منظر وارگان‌گرایی، صفت "جفایشه" درباب چنگش همین اثر تخریبی را دارد. این تعبیر در بیان‌مایی منفی پرچم‌پروری و به‌خاطر اینان یک نشان مهم و مؤثر دارد و در ذلی این تعبیر، کارکرد اصلی توصیفاتی نیز که درباره مجزه‌پذیری و توانمندی چنگش در نبرد است (مانند خود و گی‌پوشیدن) مشخص می‌شود. چراکه با شکست رقیق، تأکید بیشتری بر ضعف پرچم‌پروری و توانمندی رستم در براد آن می‌شود.

سر بر سر اورد رستم چو دیده که بیش روز را خواهد یبد (مان. 56)

این بیست نیز کارکردنی مشابه بیست پیشین دارد. تا رقیق رستم کم‌تر و ضعیف بیش، عظمت کار رستم زبر سر می‌روید و دیده نمی‌شود. رقیق او باید چنگش قابل و توانمندی باشد تا شکست خوردنش به‌دست رستم، حس برتری ایرانیان و غزور می‌یابد و توپ‌بست. کنید. با این ترتیب، روند استانی نیز با این فرار و فرودها یک‌دناخخ و نکارا نیمی شود.

بنده فست بیش از سوار دلیل‌ چک کرون سر رکو رمت از رم سیر (مان. 57)

کارکرد صفت "دلیل" برای چنگش، از زبان رستم، دمقیاً در مصاف بعدی روشن می‌شود. رستم قادر کشتی سواری را دارد که به ادعای خودش دلبر است و این گزاره می‌آیایی مشبق قطب ایرانی است؛ چراکه در عمل همین انقلاب می‌افتد و عملکرد رستم با ادعای او انطباق دارد.

زبان و ادبیات فارسی، جلد 27، شماره 86
بررسی راهبردهای ایدئولوژیکی شاهزاده در تولید گفتگوی برتری ایرانی، ص 127-150

نه کرد چنگش بر آن بیشتر
ب به سایه سپسی بر جمش

به این اسب در زیر یک نخست کوه

نیاپاد همیه از کش‌نده سنده设置

(بمانی، 39)
قسمت ناباک برای اسب: چنگش راهبردی و ازگالی. است که وجهت منفی قطب غیرخودی را به رسمی می‌کند. تعبیر کو لشکر فضای قطب‌بندی‌شده بین ایرانی و نروژی را بیش از پیش برجه‌بندی می‌کند.

زمانی همسان داشت نا شد فسی
سه‌بان برد خوشتیان بسر رسی

(سال، 65)

تصویف کش کشگراند در این بیت به کنترل است که در مصراو اول توانمندی رستمی را برجه‌بندی می‌کند و گره‌خودی را باران‌های مثبت می‌کند و در مصراو دوم، ضعف و زیبایی چنگش (گره غیرخودی) را برجه‌بندی و به‌بینی می‌کند. جراحی به مناسبت راهبردی ابتدایی‌که، معمولاً ایجاد دارایی درون گره‌خود را مثبت و طبیعی، و بدون سیوی غیرخودی نیست.

بهصورت منفی توصیف کشی (زون‌زیک، 5: 2005، 207).

بیفساند روز نبرد و زنگ‌زار خواتست
نهمن وآمیز بر خاک راست

(فرودسی، 66)

راهبرد توصیف کشک در مصراو اول (افتادن کل‌ای جنگی از سر چنگش و همین‌طور امان‌خوایی) این بی‌پرگششیان ضعف و خفیف گفتگو رقیب‌مانجامد و از سوی دیگر تأکید بر جنگ‌گزاری و قدرت رستم در مصراو دوم، به ارتباط‌سازی گروه، شکوه و ثبات گفتگو گره‌خودی (برایی‌ها) منجر می‌شود. از منظر و ازگالی گرایی‌نهایت تفاوت دارد. تغییرات باندی است که در باران‌های ضعف گره غیرخودی نقش مهمی دارد. صرف خانجین اسم نهمن بی‌می‌شود، این دفع شکوه و قدیم‌ترالی رستم راهبردی است. مطلق پریع
بررسی راهبردهای ایدئولوژیکی شاهدآمیز و تولید گفتگون پرتره ایرانیان، صفحه ۱۲۷-۱۵۰

آی‌ال‌پی‌لیک ون دایک، در این بیت همانند بیت پیشین قوت گفتگون ایرانی پرتره و ضعف گفتگون پرتره، بررسی کرده است.

همان‌گاه کرده سر از تن جدیده است. همه کام و اندیشه‌هایش بین‌واژه‌هایی که در کلیه موارد، به‌خصوص در مواردی که در آن‌ها از تغییرات بیشتری استفاده کرده است، مانند مواردی که در آن‌ها استفاده کرده است، همان‌گاه کرده سر از تن جدیده است.

در مصراخ ولی به توصیه از راه‌هایی که در این بیت، با پژوهش‌های مربوط به گروه‌های مختلف و گفتگون ایرانیان مرتبط است، می‌توان به استفاده از یکی از گفتگون‌هایی که در آن‌ها استفاده کرده است، همان‌گاه کرده سر از تن جدیده است.

۵ نتایج و کلیه

با توجه به بقاء تاریخی، شاهدآمیزی است در مقابله اصولی و احوال اجتماعی و سیاسی آن روزگار که بر اثر سلطه و رفتار تبعیضی که بر ایرانیان و از طرفی ورود ترکان غزنوی، فرهنگ و موجودات قومی ایرانیان سخت‌ساز را و ناپدید ساخته بود. از این روستا که فردوسی در قالب روایات که از ایرانیان گفته است، ضمن حفظ آن موارد، ایدئولوژی خود را مثبت بر پرتره ایرانیان در خلال داستان‌ها استفاده از کلام خوبی به خوانندگان متماکی کند و بنابراین شاهدآمیزی از قلمداد می‌شود. که غیرت و هویت ایرانیان را احیا کرده است. در این پژوهش، با توجه به این فرض، مسئله راهبردهای کلاسیک
پی گرفته‌ها

1. Wodak
2. Fairclough
3. Teun A van Dijk
4. Fowler
5. Kress
6. Van Leeuwen
7. Richardson
منابع

آفاق‌گرایه، فردوسی (۱۳۹۰) تحلیل گفتگوی انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی.

امامی شوشتری، مرجع (۱۳۹۱) بررسی ویژگی‌های ایرانی و انتارین در بخش پژوهشی‌های ایران. تهران: علمی.

روبرت زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء.

توافق، جهانی‌خیت (۱۳۹۲) تأثیر ویژگی عصر فردوسی بر تدوین شاهنامه‌ای. دیات حماسی.

دانشگاه لرستان، شماره ۱: ۱-۳۲.

حامدی شیرانی، زهره و سید‌محمدی زقاری (۱۳۹۲) تحلیل داستان رستم و شهاب بر اساس مربع ادبیوژه‌ها و زبان. تهران: ادبیات فارسی، شماره ۸۸-۹۶.

سلطانی، علی (۱۳۹۲) قصه‌ای، گفتگوی و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نی صفا، تبریز.

صدای سیاست (۱۳۸۳) تاریخ ادبیات ایران. جلد اول. خلاصة تاریخ ادبیات در ایران جلد اول و دوم. تهران: رامین.

فردوسی، ابولقاسم (۱۳۹۳) شاهنامه. بروجرد: مطبوعات صادق، شیراز.

ون‌دایک، تونی (۱۳۸۵) نظریات در تحلیل گفتگوی از دستور متن‌های انتقادی. مرکز تحقیقات و تجربیات، تهران: نشر خبر.

محمدی‌نامی، سیدعلی (۱۳۸۵) گفتگوی این موضوع. تهران: نشر خبر.

واعلی‌خانی (۱۳۸۴) تحلیل گفتگوی قدیمی شاهنامه فردوسی با رویکرد نوئل خصوصی داستان رستم و سهاراب و داستان رستم و استفانیار. تبرئه ای. دانشگاه الزهراء.
پورگسی، ماریان و لوئیز گیلبرس (۱۳۴۲) تئوریه و روش در تحلیل کفتنام. ترجمه هادی جلیلی.

یازdan و ادبیات فارسی. ۲۷، شماره ۸۶

پارسی، تبریزی (۱۳۹۱) درآمدی بر کفتنام‌شناسی. تهران: هرمس.

بیشتری، تیم (۱۳۹۴) کفتنام‌شناسی رایح و انتقادی. تهران: هرمس.

یوسفی، سید حسین (۱۳۸۶) انتقادی و هیئت ایرانی در شاهانه. فردوسی (مورد مطالعه: دانش سیاسی) جامعه‌شناسی تاریخی ۱، ۱۲۵-۱۷۱.


